



## لایحه آموزش به زبان مادری در راه مجلس

سخنگوی دولت از ارسال لایحه‌ای درباره تدریس به زبان مادری خبر داد. به گزارش ایلنا، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت درباره آموزش به زبان مادری گفت: «ما در ایران حدود ۴۰۰ گونه زبان‌های ایرانی را شناسایی کردیم و پیش‌بینی می‌شود ممکن است به ۱۴۰۰ گونه هم برسد. زبان‌های مادری جز میراث فرهنگی ما هستند. اصل ۱۵ قانون اساسی تکلیف را مشخص کرده است و در مورد زبان‌های تمدنی و تاریخی صحبت کرده است. او ادامه داد: «ما این را باید تفکیک کنیم که آموزش زبان مادری یا آموزش به زبان مادری. این موضوع که در مجلس بررسی شد لایحه نبوده طرحی بوده که در کمیسیون مطرح شد. دولت در نظر دارد لایحه‌ای را در این خصوص به مجلس ارسال کند. در بسیاری اوقات یکی از دلایل پایین بودن تراز دانش‌آموزان در حوزه آموزش و پرورش دوزبانه بودن بچه‌های ماست که برخی بچه‌ها در خواندن همچنان مشکل دارند لذا موضوع زبان مادری و آموزش به زبان مادری جزو موضوعات بسیار مهمی است که دستور کار دولت قرار دارد.»



## ۱۷ فوتی چهارشنبه‌سوری ۱۴۰۲

سرپرست مرکز مدیریت شبکه وزارت بهداشت، با ابراز نگرانی از افزایش آسیب‌های جانی و معلولیت‌های ناشی از حوادث چهارشنبه‌سوری، نسبت به خطرات استفاده از مواد محترقه هشدار داد. کوروش اعتماد گفت که طبق آخرین گزارش EOC سازمان اورژانس کشور، آمار آسیب‌دیدگان در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال قبل افزایش چشمگیری داشته است. از یکم تا ۲۳ اسفندماه ۱۴۰۱، تعداد ۴۳۶۸ نفر بر اثر برخورد یا استفاده از مواد محترقه دچار آسیب‌هایی از جراحات‌های سطحی تا قطع عضو و حتی فوت شدند، در حالی که در مدت مشابه سال ۱۴۰۲، این تعداد به ۶۱۶۵ نفر رسید. به گفته او، در سال ۱۹۰۱۴۰۱ نفر جان خود را از دست دادند و ۲۲۹ نفر دچار قطع عضو شدند. در سال ۱۴۰۲، اگرچه تعداد جان‌باختگان با ۱۷ مورد فوتی کاهش یافت، اما شمار افراد دچار قطع عضو به ۳۰۵ نفر افزایش پیدا کرد.



## آخرین وضعیت بدهی داروخانه‌ها

وزیر بهداشت آخرین وضعیت پرداخت بدهی‌های داروخانه‌ها، همچنین نحوه فعالیت متخصصان در نوروز را توضیح داد. محمدرضا ظفرقندی در حاشیه جلسه شورای عالی بیمه سلامت در پاسخ به پرسش ایسنا درباره پرداخت مطالبات داروخانه‌ها در قالب طرح داروپار گفت: «بخش عمده‌ای از مطالبات داروخانه‌ها در هفته گذشته پرداخت شده، همچنین از طریق بودجه ۳۰۰ میلیون داری که از صندوق توسعه دریافت شده، ۵۹ درصد مطالبات شرکت‌های دارویی و تجهیزات پزشکی طی دو، سه روز گذشته پرداخت شده و تصور می‌کنم که این روزها به دست صاحبانش برسد.» به گزارش ایسنا، او در پاسخ به پرسشی درباره انتقاد داروخانه‌ها از نحوه پرداخت‌های تأمین اجتماعی گفت: «سازمان تأمین اجتماعی مشکلات مختص به خود را دارد و در پرداخت‌های آنها مقداری فاصله افتاده است. پرداخت مطالبات داروخانه‌ها را پیگیری می‌کنیم. همچنین مبلغ ۲۵ هزار میلیارد تومانی که سران سه قوه توافق کردند، از اعتبارات تأمین اجتماعی است که قسمت عمده آن برای مطالبات پرسنلی بود و بخشی دیگر برای پرداخت مطالبات شرکت‌های دارویی است.»



تکس: ایرنا

## گزارشی درباره فرزندخواندگانی که خانواده‌های جدیدشان آنها را به مراکز نگهداری کودکان بدسرپرست برمی‌گردانند

# فرزند رانندگی

## بررسی‌های هم‌میهن نشان می‌دهد مشکلات اقتصادی و افزایش اعتیاد و طلاق برگرداندن فرزندخواندگان را افزایش داده است

تا بتواند خودش را وفق دهد، چه برسد به یک بچه شش‌ساله، آن هم بچه‌ای که خودش آسیب‌ها و زخم‌هایی از قبل دارد. بنابراین خانواده‌ای که او را به سرپرستی می‌گیرند، باید آمادگی زیادی داشته باشند اما این خانواده این آمادگی را نداشتند و همین هم شد که قرارداد فرزندخواندگی فسخ شد و آلمان برگشت کنار دوستانش که چندماه از آنها دور مانده بود.

براساس بند «ب» ماده ۲۵ قانون فرزندخواندگی والدین می‌توانند در صورتی که سوء رفتار کودک غیر قابل تحمل شود، اقدام به فسخ حکم سرپرستی کنند. همین قانون کافی است که راه را برای والدین پشیمان باز بگذارد. نتایج یکی از معدود پژوهش‌هایی که در این باره و توسط سه پژوهشگر در واحد نراق دانشگاه آزاد اسلامی انجام شده، نشان می‌دهد که پس از فسخ حکم سرپرستی برخی از آثار مالی از جمله پرداخت نفقه تا تعیین سرپرست جدید، یا مورث بودن فرزندخوانده در صورت فوت و وصیت پدر خوانده، به فوت خود باقی است. درباره صدور شناسنامه جدید پس از فسخ این حکم تا زمان تعیین سرپرست یا سرپرستان جدید تغییری در مشخصات سجلی فرد تحت سرپرستی صورت نخواهد گرفت و ازدواج فرزندخوانده و سرپرست چه در زمان حضانت و چه بعد از فسخ آن، ممنوع است مگر اینکه دادگاه صالح پس از گرفتن نظر مشورتی سازمان، این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد.

این میان اما بررسی‌های کمی درباره وضعیت روانی کودکان برگشتی انجام شده است. حالا پنج‌ماه است که مسئولان مرکز نگهداری کودکان رفسنجان، حالات آلمای شش‌ساله را با سه کلمه خلاصه می‌کنند: «احساس طردشدگی، رهاسدگی و کمبود اعتماد به نفس.» این حس‌ها بین همه بچه‌هایی که از خانه‌های جدیدشان به مراکز نگهداری برگشت داده می‌شوند، مشترک است. آلمان هم از وقتی که برگشته، رفته زبیر نظر روانشناس اما آنقدر برگشت داده شدن برای او سخت بوده که حتی نمی‌تواند در جلسات گروه درمانی هم شرکت کند؛ چون در یک «خانه» برگزار می‌شود و خانه یعنی «خانواده» و خانواده، زن و مردی اند که او را نمی‌خواهند و برش می‌گردانند همان جایی که بوده. حسن تارک «دیگری» بودن. یکی از مشاوران آلمان به خانم حسینی گفته، آلمان‌نگران این است که کار اشتباهی کند و مدام معذرت‌خواهی می‌کند. برای همین هم است که مسئولان مرکز نگهداری او معتقدند این آسیب‌ها تا عمر دارد همراهش خواهند بود، مگر اینکه خانواده‌ای جدید برایش پیدا شود و با او راه بیایند و احساس دوست داشته شدن را به او بدهند.

آلمان را نمی‌خواهد. وقتی که آلمان از خانواده جدیدش گرفتند و به مرکز برگردانند، نقطه رفت سر خط. برگشت به آن سه‌روزی که با دو برادرش در خانه تنها بودند و بی آب و غذا رها شده بودند. خانم حسینی اینها را اول پرونده او نوشت: «پدر المافوت کرده و مادرش اعتیاد شدید داشت. او بچه‌ها را رها کرده و رفته بود. آلمان با دو برادرش، سه روز در خانه تنها بودند. آنها دو برادر ناتنی داشتند، یکی از آنها به خانه سر می‌زند و می‌بیند مادرش رفته و بچه‌ها در خانه تنها هستند. در نهایت بچه‌ها را تحویل پدر بزرگ و مادر بزرگ می‌دهند، آنها هم نمی‌توانستند نگهداری‌شان کنند و تحویل پسر بزرگ می‌دهندشان.»

آلمان یک‌سال و نیم کنار ۱۲ دختر و پسر سه تا شش‌ساله دیگر در آن مرکز منتظر ماند تا خانواده‌ای پیدا شود اما بعد، اوضاع خوب پیش نرفت. کارشناسان بهزیستی در پرونده‌اش نوشتند که او در خانواده جدید احساس تعلق خاطر پیدا نکرده است. نوشتند رفتار او لایل خوب بوده اما بعد از یک‌ماه مشکلات‌شان شروع شده است. آلمان با خواهر در آن خانه به مشکل برخورد کرده بود. خانواده به بهزیستی زنگ زده بودند که بیایید مدرسه ببینید که آلمان دست دختر ما را کشیده. مادر خوانده آلمان کارشناسان بهزیستی گفته بود: «همه اطرافیان به من می‌گویند بچه خودت واجب‌تر است.» جمله‌ای که خانم حسینی، مددکار آلمان معتقد است که نشان می‌دهد آنها بچه‌ای را که جدید وارد خانواده‌شان شده، به عنوان بچه خودشان نپذیرفته‌اند و این احساس را قطعاً بچه‌ای که وارد خانواده می‌شود، درک می‌کند. آلمان در چهار ماهی که در خانه آن خانواده ماند، چندبار از طرف پدر و مادر تهدید شده بود که تا دو ماه و ۲۰ روز دیگر وقت دارد که دست از کارهایش بردارد، وگرنه برمی‌گردد مرکز. این حرف را جلوی کارشناسان بهزیستی هم به آلمان زده بودند و او مطمئن شده بود که کسی دوستش ندارد و جایش در این خانه امن نیست. او فهمیده بود که این خانواده برای چالش‌های فرزندخواندگی آماده نبوده‌اند بلکه مدت‌ها در فهرست درخواست بچه منتظر مانده بودند. حسینی روزی را به یاد می‌آورد که حتی وقتی به آنها گفته بود که شما باید خودتان را برای بعضی مشکل‌ها آماده کنید، ناراحت شده بودند و حسینی با خودش فکر کرده بود که آنها حواس‌شان نیست که یک بچه آسیب‌را به سرپرستی می‌گیرند و بچه‌های آسیب‌شرا می‌بندند و متفاوت است. وقتی یک بچه در یک خانواده معمولی هم به دنیا می‌آید، تا چندماه مشکلات خودش را دارد، چه برسد به بچه‌ای که در شرایط درست و معمولی بزرگ شده، یک‌سال و نیم در مرکز نگهداری بوده و بعد وارد زندگی و محل زندگی، خانواده و اطرافیان جدید می‌شود؛ اینها شرایط جدیدی‌اند که یک آدم بزرگ هم زمان می‌برد



الناز محمدی

دبیر گروه جامعه

**بررسی‌های «هم‌میهن» افزایش ورودی بچه‌های بدسرپرست به مراکز در سه سال اخیر را تایید می‌کند. سال ۷۱ که مهربی سلمانزاده وارد این سیستم شد، دلیل رهاسدگی بچه‌ها، این بود که پدرها می‌رفتند و مادر به دلیل فقر، بچه را رها می‌کرد یا به بهزیستی تحویل می‌داد. مددکاران اجتماعی می‌گویند در سال‌های گذشته اعتیاد صنعتی خانواده، ازدواج‌های ثبت نشده، فقر، کودک‌آزاری و مسائل اخلاقی مهم‌ترین عامل‌های موثر در چندسال اخیر است**



الناز محمدی

دبیر گروه جامعه

از روزی که پدر و مادر جدید آلمان دیگر او را نخواستند، «خانه» در نقاشی‌هایش شبیه دختری شد که یک گوشه نشسته و گریه می‌کند. یک دختر کوچک که به‌جای سر، سقفی مورب دارد و از گوشه‌هایش اشک می‌ریزد روی زمین. اشک‌ها دور تا دور «دختر» خانه‌ای را می‌گیرند و یک مرز می‌سازند. شبیه یک رودخانه که راه دادن دیگران به آن سخت است. رودخانه نرم است اما شبیه مرزی است پر از مین که اگر زن و مردی جدید بخواهند از آن بگذرند، باید پا یا دست‌شان را جا بگذارند و وقتی اشک‌هایشان قاطی مرزهای آبی دور تا دور «دختر» خانه‌ای شد، حالا شبیهش شده‌اند و می‌توانند او را با خود ببرند. بشوند پدر و مادر تازه. بشوند پدر و مادر آلمان که از تابستان امسال، هر وقت معلم نقاشی از او می‌خواهد، خانه‌ای را بکشد، یک دختر کوچک را می‌کشد که به‌جای سر، سقفی مورب دارد و از گوشه‌هایش اشک می‌ریزد روی زمین. شبیه یک انیمیشن که قهرمانش دختری شش‌ساله است و خودش را روزها و فادارانه در گوشه اتاقی کوچک در آغوش می‌کشد و به‌جای سر، یک سقف مورب شیب‌دار روی آن لانه کرده.

زندگی برای آلمان از روزی شروع شد که به او گفتند پدر و مادر پیدا کرده و زمانی تیره شد که آنها دیگر او را نخواستند. یک بهار و تابستان آمد و رفت و وقت دیدن پاییز بود که تلفن مدیر مرکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست در رفسنجان کرمان صدا کرد و بعد از طرف خط تلفن، صدای زنی را شنید که با خشم می‌گفت: «من دیگر این دختر را نمی‌خواهم.» زن گفته بود از اینکه بچه‌ای را به سرپرستی گرفته پشیمان است و ترجیح می‌دهد وقتش را صرف دختری کند که خودش به دنیا آورده. که فرزند زستی او و شوهرش است. یک فرزند تنی. دادن خرج زندگی یک بچه جدید که از گوشت و تن آنها نبود هم آنطورها که فکرش را می‌کردند، ساده نبود. اگر هم بود، با هر پاشی که آلمان در خانه می‌کرد، یادشان می‌آورد که باید مدام برای بچه‌ای که از رگ و پی خودش نیست و بعد ببینند که با دختر خودشان گلاویز می‌شود و آدمی کسود دست‌رویش بلند می‌کند، هر زنه کنند. همین هم شد که در روزی پاییزی، مادر جدید آلمان به معراج‌السادات حسینی، مدیر یک مرکز غیردولتی نگهداری کودکان زنگ زد و گفت که دیگر